



Determining the contribution of attachment styles and coping styles in predicting the instability of married life with the mediating role of resilience in conflicted couples

Javad. Bijani¹, Nazem. Hashemi*² & Abotaleb. Saadati Shamir³

1. PhD student, Counseling Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. *Corresponding author: Assistant Professor, Counseling Department, University of Police Sciences, Tehran, Iran
3. Assistant Professor, Educational Sciences Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ARTICLE INFORMATION

Article type

Original research

Pages: 60-71

Corresponding Author's Info

Email:

nh134517@yahoo.com

Article history:

Received: 2022/09/07

Revised: 2022/10/06

Accepted: 2022/10/12

Published online:
2023/06/10

Keywords:

Instability of married life, coping styles, attachment styles, resilience.

ABSTRACT

Background and Aim: Marital stability is considered a core index of continuity and durability of mutual independence, trust and friendship, and it is considered a predictor of marital happiness, and is influenced by many individual and interpersonal factors. Therefore, the aim of this research was to develop a structural model for predicting the instability of married life based on attachment styles and coping styles: the mediating role of resilience in conflicted couples. **Methods:** The descriptive research method was correlation type. The statistical population included couples who were referred to police counselling centres in Tehran in 2019, and 300 people were selected as a statistical sample using the available (voluntary) sampling method. The members of the statistical sample responded to Edwards et al.'s marital stability instability scale (1987), coping styles questionnaire by Lazarus and Folkman (1985) and Connor and Davidson resilience questionnaire (2003). **Results:** The findings showed that coping styles directly predict the instability of marital life in conflicted couples, and resilience had a significant mediating role in the relationship between emotion-oriented and problem-oriented coping styles and marital instability. In addition, the results showed resilience had a significant mediating role in the relationship between secure attachment style, insecure-avoidant attachment style and marital instability ($P < 0.01$). However, resilience did not have a significant mediating role in the relationship between bisexual attachment style and marital instability ($P > 0.01$). **Conclusion:** It can be concluded that teaching effective coping styles, paying attention to resilience and identifying attachment styles of couples can prevent injuries that threaten the stability of married life.



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article:

Bijani, J., Hashemi, N., & Saadati Shamir, A. (2023). Determining the contribution of attachment styles and coping styles in predicting the instability of married life with the mediating role of resilience in conflicted couples. *Jayps*, 4(3): 60-71.



مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان

www.jayps.iranmehr.ac.ir

بهار (خرداد) ۱۴۰۲، دوره ۴، شماره ۳ (پیاپی ۹)، صفحه‌های ۷۱-۶۰

تعیین سهم سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های مقابله‌ای در پیش‌بینی بی‌ثباتی زندگی زناشویی با نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در زوج‌های متعارض

جواد بیژنی^۱، نظام هاشمی*^۲ و ابوطالب سعادت‌ی شامیر^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	زمینه و هدف: ثابت زناشویی به عنوان شاخص استمرار و دوام هسته‌ای از استقلال، اعتماد و دوستی دوجانبه مطرح می‌شود و عامل پیش‌بینی کننده شادی و شادکامی زناشویی به شمار می‌رود و از عوامل فردی و بین فردی متعددی تأثیر می‌پذیرد لذا هدف این پژوهش تدوین مدل ساختاری پیش‌بینی بی‌ثباتی زندگی زناشویی بر مبنای سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های مقابله‌ای: نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در زوج‌های متعارض بود. روش پژوهش: پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل زوج‌های مراجعه کننده به مراکز مشاوره نیروی انتظامی در شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس (داوطلبانه) انتخاب تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و به مقیاس بی‌ثباتی ازدواج ثابت زناشویی ادواردز و همکاران (۱۹۸۷)، پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای که توسط لازاروس و فولکمن (۱۹۸۵) و پرسشنامه تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) پاسخ دادند. یافته‌ها: نشان داد که سبک‌های مقابله‌ای به طور مستقیم پیش‌بینی کننده بی‌ثباتی زندگی زناشویی در زوجین متعارض می‌باشد و تاب‌آوری نقش میانجی معنی‌داری در ارتباط بین سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار و مساله‌مدار و بی‌ثباتی زناشویی داشت، همچنین نتایج نشان دادن تاب‌آوری نقش میانجی معنی‌داری در ارتباط بین سبک دل‌بستگی ایمن سبک دل‌بستگی نایمن اجتنابی با بی‌ثباتی زناشویی داشت ($P < 0.01$). با این حال تاب‌آوری نقش میانجی معنی‌داری در ارتباط بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا با بی‌ثباتی زناشویی نداشت ($P > 0.01$). نتیجه‌گیری: با توجه به نقش سبک‌های مقابله‌ای، سبک‌های دل‌بستگی و تاب‌آوری در پیش‌بینی بی‌ثباتی زندگی زناشویی، می‌توان نتیجه گرفت آموزش سبک‌های مقابله‌ای کارآمد، توجه به تاب‌آوری و و شناسایی سبک‌های دل‌بستگی زوجین بین زوجین می‌تواند از آسیب‌های تهدید کننده پایداری زندگی زناشویی پیشگیری کند.
صفحات: ۶۰-۷۱	
اطلاعات نویسنده مسئول	
ایمیل: nh134517@yahoo.com	
سابقه مقاله	
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶	
تاریخ اصلاح مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۱۴	
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۷/۲۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰	
واژگان کلیدی	
بی‌ثباتی زندگی زناشویی، سبک‌های مقابله‌ای، سبک‌های دل‌بستگی، تاب‌آوری	
انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.	
تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.	



شیوه‌استناد به این مقاله

بیژنی، جواد؛ هاشمی، نظام؛ و سعادت‌ی شامیر، ابوطالب. (۱۴۰۲). تعیین سهم سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های مقابله‌ای در پیش‌بینی بی‌ثباتی زندگی زناشویی با نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در زوج‌های متعارض. *مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان*، ۴(۳): ۷۱-۶۰.

مقدمه

روانشناختی، اقتصادی، سلامتی، رابطه جنسی و تعارض از جمله عوامل مؤثر در بی‌ثباتی ازدواج است (آسا و نکان، ۲۰۱۷).

بی‌ثباتی ازدواج از عوامل درون فردی و بین فردی متعددی نشأت می‌گیرد. در این میان یکی از عوامل درون فردی مؤثر بر بی‌ثباتی ازدواج، دلبستگی^۷ است. دلبستگی پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است، به طوری که یکی از طرفین می‌کوشد مجاورت به انگاره دلبستگی را حفظ کرده و به گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه دارد (فلانگان^۸، ۱۹۹۹ به نقل از نظری، اسدی و صاحب‌دل، ۱۳۸۹). رفتار دلبستگی هنگامی که شخص احساس‌هایی نظیر ترس، غمگینی و بیماری دارد، فعال می‌شود و فرد را به جست و جو یا نزدیک ماندن به شخص آشنا، وادار می‌سازد (زیمرمن و بیکر، ۲۰۱۰). در نظریه دلبستگی بر این نکته تأکید شده که روابط اولیه دوران کودکی، سبک‌های دلبستگی را شکل می‌دهند و بر دیدگاه فرد در مورد خود، دیگران و روش سازماندهی روابط بین فردی، تأثیر می‌گذارند (یارنوز و یابن^۹، ۲۰۱۰). سه سبک دلبستگی ایمن^{۱۰}، اجتنابی^{۱۱} و دوسوگرا^{۱۲} در کودکی توصیف شده است که در بزرگسالی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در برقراری روابط صمیمی راحت هستند، به دریافت حمایت از سوی دیگران تمایل نشان می‌دهند، تصویری مثبت از خود دارند و از دیگران توقعات و انتظارات مثبت دارند. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی خود را از لحاظ هیجانی سرد و دارای سوء ظن تلقی می‌شوند. آن‌ها اعتماد و اتکا به دیگران را برای خود مشکل می‌یابند و هنگامی که دیگران خیلی با آن‌ها صمیمی شوند احساس

ازدواج منشا ایجاد چرخه زندگی خانوادگی است (وارینگ^۱، ۲۰۱۳) و روابط زناشویی سالم و ماندگار، حاکی از نظامی جهت‌مند و نظامی از باورهای به اشتراک گذاشته شده است (کانگ و جاسوال^۲، ۲۰۱۹). این در حالی است که گسترش بی‌ثباتی ازدواج^۳ در جامعه امروز نگرانی‌های زیادی را به وجود آورده است (امونی اویافونک، فالو و سالو، ۲۰۱۴)، سطوح بالای تعارضات زناشویی با تنش‌ها و بی‌ثباتی زناشویی ارتباط مستقیمی نشان داده است (فروساکیس^۴، ۲۰۱۰). ثبات زناشویی به عنوان شاخصی از ماهیت هویت متقابل و تسهیم مسئولیت و تعهدات دوره زناشویی گذشته همسران شناخته می‌شود. بنابراین، ثبات زناشویی به عنوان شاخص استمرار و دوام هسته‌ای از استقلال، اعتماد و دوستی دوجانبه مطرح می‌شود و عامل ثبات، پیش‌بینی کننده شادی و شادکامی زناشویی به شمار می‌رود (کانگ و جاسوال^۵، ۲۰۱۹). ثبات زناشویی در قالب طول مدت ازدواج هر زوج، بدون طلاق گرفتن و یا از هم جدا شدن تعریف می‌شود (مرسادو، کامرون، شکر فروش و استراتون^۶، ۲۰۱۸) و بی‌ثباتی ازدواج زمانی مطرح است که یک عضو زوج یا هر دو عضو، درباره طلاق یا جدایی می‌اندیشند و یا اعمالی انجام می‌دهند که به خاتمه دادن به ازدواج گرایش دارد (هالوگ و ریچر، ۲۰۲۰) رشد شخصی مجزا از یکدیگر و علایق متفاوت، عدم توانایی در گفتگو با یکدیگر، مشکلات شخصی همسر و عدم توجه کافی (هاوکینز، ویلویی و دوهرتی، ۲۰۱۲) بی‌مسئولیتی شوهر، خیانت، خشونت، الکلیسم، خویشاوندان سببی، بیکاری، تفاوت سنی و تعدد زوجین (موسا، کیسوی و اوتور، ۲۰۱۵)، تفاوت اجتماعی و فرهنگی، عوامل

7. attachment
8. Flanagan
9. Yárnoz-Yaben
10. secure
11. avoidant
12. ambivalence

1. Waring,
2. Kang & Jaswal
3. marital Instability
4. Frousakis,
5. Kang & Jaswal
6. Mercado, Cameron, Shekarforoosh, Stratton

نگرانی می‌کنند. افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا خود را به عنوان افرادی که به درستی از جانب دیگران درک نشده و دارای کمبود اعتماد به نفس هستند، در نظر می‌گیرند و از این امر که دیگران آن‌ها را ترک کرده یا به طور واقعی دوست نداشته باشند، احساس نگرانی می‌کنند (مارکوس^۱، ۲۰۱۳). مطالعات مبتنی بر آسیب‌شناسی تحولی نیز رابطه‌ی بین تجارب منفی اولیه‌ی تحصیلی و خانوادگی و مشکلات افراد بزرگسال در انجام تکالیف تحولی و مشکلات روانشناختی و شبکه‌های معیوب زناشویی را مورد تاکید قرار می‌دهند (یانگ، کلاسکو و ویشار، ۲۰۱۳). یکی از شیوه‌های مقابله با استرس که در رابطه با کیفیت رابطه زناشویی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است سبک‌های مقابله‌ای می‌باشد (پیت و کایسر، ۲۰۱۶)، استرس به عنوان یک پدیده روان‌شناختی از عوامل مهم در بروز بسیاری از اختلالات روانی است (سولاز، سالتن و گاراچاگا، ۲۰۱۲) و از این رو در سال‌های اخیر استرس و راهبردهای مقابله با آن که با کیفیت زندگی نیز ارتباط معنادار دارد، در گروه‌های مختلف بسیار مورد توجه قرار گرفته است (چنگ، کو و لی، ۲۰۱۲).

کارکنان خانواده‌های نظامی و خانواده‌های آنان به دلیل نظامی بودن استرس مضاعفی را تحمل می‌کنند، عواملی نظیر شرکت در جنگ و ماموریت‌های بحرانی، مهاجرت پی در پی، نگرانی از فقدان، تضاد بین محیط خانه و محیط کار، دوری از خانواده و کمبود آزادی‌های فردی از جمله دلایل افزایش استرس هستند (احمدی، سوری، فتحی آشتیانی، میرزمانی، عرب‌نیا، ۱۳۸۵). این شیوه‌های مقابله‌ای که آموخته شده و اکتسابی است و عوامل ژنتیک نیز در آن نقش دارند، ممکن است تغییر کرده و رشد یابد و خانواده نقش مهمی در تمرین استفاده فرزندان از راهبردهای مقابله با رویدادهای پراسترس دارد (یوسفی، قربانی و عزیزی، ۱۳۹۷). شیوه‌های مقابله،

راهبردهای شناختی و رفتاری می‌باشد که برای کنترل یک موقعیت کنترل‌کننده زندگی از سوی افراد به کار گرفته می‌شوند، این شیوه‌های مقابله‌ای که آموخته شده و اکتسابی است و عوامل ژنتیک نیز در آن نقش دارند، ممکن است تغییر کرده و رشد یابد. سبک‌های مقابله هیجان‌مدار و اجتناب‌مدار با آشفتگی روان‌شناختی ارتباط دارند (نیکنام و تیموری، ۱۴۰۰) لازاروس و فولکمن (۱۹۹۸) راهبردهای مقابله را به عنوان مجموعه‌ای از پاسخ‌های رفتاری و شناختی که هدفشان به حداقل رساندن فشارهای موقعیت استرس‌زا است تعریف کرده‌اند و بر اساس نظر آن‌ها دو شیوه اصلی مقابله با تنیدگی وجود دارد که به عنوان روش‌های مقابله مسئله‌مدار و هیجان‌مدار شناخته شده‌اند. سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار به رفتارها و شناخت‌هایی که هدف آن‌ها تغییر موقعیت یا متغیر استرس‌زا است، اطلاق می‌شود. این سبک دارای دو مولفه است؛ که مولفه اول آماده‌سازی است و در آن جستجوی اطلاعات و برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد و مولفه دوم عمل نام دارد که در آن حل مسئله و مقابله فعال صورت می‌گیرد و راهبردهایی مانند جمع‌آوری، سازماندهی و تفسیر اطلاعات را شامل می‌شود. سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار رفتارها و شناخت‌هایی را شامل می‌شود که در آن هدف تغییر پاسخ فرد به عامل تنش‌زا است، راهبردهای آن شامل اشتغال فکری با خود، خیال‌پردازی و تمرکز بر ابعاد هیجانی است (آقاپور، ابوالمعالی الحسینی و اصغر نژاد، ۱۳۹۷). بنابراین هر چند راهبردهای مقابله‌ای فعالیت‌های زیادی را شامل می‌شوند، اکثر آن‌ها مبین تلاش برای بهبود یک موقعیت دشوار مثل طراحی نقشه و اقدام عملی (مقابله مسئله‌مدار) یا برای تنظیم درماندگی هیجانی مثل جستجوی دیگران برای حمایت عاطفی یا کاهش شدت دشواری موقعیت از نظر شناختی (مقابله هیجان‌مدار) هستند راهبردهای مقابله‌ای موثر باعث می‌شوند که واکنش فرد به سطوح استرس مناسب باشد (احمدی و محرابی، ۱۳۹۹).

1. Marcus

که موجب افزایش تعارضات و نارضایتی زناشویی می‌شود (گاطع زاده، نیسی و ساکی، ۱۳۹۳).

در نهایت با توجه به مطالب عنوان شده و رشد روز افزون تعارضات زناشویی و به خطر افتادن کانون خانواده که علاوه بر آسیب‌های فردی آسیب‌های اجتماعی را نیز به دنبال خواهد داشت، همچنین با در نظر گرفتن شرایط دشواری که خانواده‌های نیروهای انتظامی با آن روبرو هستند و با عنایت به این موضوع که بر اساس بررسی‌های پژوهشگر تحقیقی که به پیش‌بینی بی‌ثباتی زندگی زناشویی بر اساس متغیرهای پژوهش حاضر انجام شده باشد یافت نشد. لذا پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال می‌باشد که آیا بی‌ثباتی زندگی زناشویی بر مبنای سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله‌ای: نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در زوج‌های متعارض در قالب یک مدل قابل تبیین است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود، جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زوج‌های مراجعه کننده به مراکز مشاوره نیروی انتظامی در شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بودند. تعداد ۳۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش: رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش؛ افرادی که ۱۰ سال از زندگی زناشویی آن‌ها گذشته باشد؛ فاقد هر گونه اختلال روانپزشکی، که نیازمند مصرف دارویی و جلسات روان درمانی نباشند؛ یکی از همسران از کارکنان نیروی انتظامی (ناجا) باشد. معیارهای خروج از پژوهش: عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش؛ پرسشنامه‌های مخدوش.

ابزار پژوهش

۱. ابزار سنجش ثبات زناشویی ادواردز و

همکاران (۱۹۸۷): شاخص بی‌ثباتی ازدواج که ابزار ۱۴ سؤالی است، توسط جان ان. ادواردز، دیوید آر، جانسون و آلن بوث (۱۹۸۷) برای اندازه‌گیری عدم ثبات ازدواج و

اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این عوامل چگونه بر فرایند بی‌ثباتی زندگی زناشویی اثر می‌گذارند؟ به نظر می‌رسد مدل‌های واسطه‌ای بتوانند تبیین مناسبی برای این فرآیند، فراهم آورند. یک فرضیه واسطه‌ای می‌کوشد تا مکانیسمی را که در زیربنای رابطه مشاهده شده بین دو متغیر قرار گرفته است، مورد شناسایی قرار دهد، یکی از عوامل درونی که از سازه‌های روانشناسی مثبت نگر^۱ به حساب می‌آید، تاب‌آوری^۲ روانشناختی است که در دهه‌های گذشته نقش آن در رشد و سلامت اثبات شده است و اخیراً در حوزه خانواده جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است (حسینی و حسین چاری، ۱۳۹۰). بلاک و بلاک^۳ (۱۹۸۰) در تعریف تاب‌آوری می‌گویند: ویژگی شخصیتی است که به مطابقت فرد با تغییرات و استرس‌های محیطی کمک می‌کند و معتقدند افراد با ویژگی تاب‌آوری روانشناختی، می‌توانند در شرایط زندگی، روش‌های آسانتری را انتخاب کنند، زیرا آن‌ها مهارت‌های حل مسئله را رشد می‌دهند و مقاومت بیشتری در برابر شرایط استرس زا از خود نشان می‌دهند (اوگلمن و ارول^۴، ۲۰۱۵). نتایج تحقیقات بیانگر این است که تاب‌آوری سازه‌ای است که بابسیری از جنبه‌های مختلفی از جمله ازدواج و خانواده درمانی در ارتباط است (کریس، هنری، هاریست و لازرالر^۵، ۲۰۱۵). همچنین نتایج پژوهش‌ها در رابطه با ارتباط تاب‌آوری با حوزه خانواده و روابط همسران بیانگر این است که تاب‌آوری توان پیش‌بینی رضایت زناشویی را دارد (میکائیلی، گنجی و طالبی جویباری، ۱۳۹۱). تاب‌آوری ویژگی است که به افراد و همسران کمک می‌کند کمتر تحت تأثیر پیشامدهای ناگوار قرار بگیرند و همسرانی که از ویژگی تاب‌آوری برخوردار نیستند توانایی تعدیل شرایط ناگوار و استرس‌های ناشی از مشکلات زناشویی را ندارند

1. Positive Psychology
2. Resilience
3. Block and Block
4. Ogelman & Erol
5. Criss, Henry, Harrist & Larzelere

نتایج حاصل از آن برای گروه بندی سبک‌های دلبستگی پاسخ دهندگان استفاده می‌شود. ضریب اعتبار از طریق آلفای کرونباخ و باز آزمایی به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۷۹ گزارش شده است. روایی پرسشنامه دلبستگی بزرگ سال رضایت بخش و معنی‌دار است (کراول، فارلی و شیور، ۱۹۹۹) در ایران نیز ضریب اعتبار این پرسشنامه توسط بشارت (۱۳۷۹) با استفاده از روش باز آزمایی ۰/۹۲ گزارش شد.

۳. مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳):

پرسشنامه توسط کار و دیویدسون (۲۰۰۳) ساخته شده است ویژگی‌های روانسنجی این مقیاس در شش گروه، جمعیت عمومی، مراجعه کنندگان به بخش‌های مراقبت‌های اولیه، بیماران سرپایی روانپزشکی، بیماران با مشکل اختلال اضطراب فراگیر و دو گروه از بیماران استرس پس از سانحه، انجام شده است. تهیه کنندگان این مقیاس بر این عقیده اند که این پرسشنامه بخوبی قادر به تفکیک افراد تاب‌آور از غیر تاب‌آور در گروه‌های بالینی و غیر بالینی بوده است، و می‌تواند در موقعیت‌های پژوهشی و بالینی مورد استفاده قرار گیرد. نسخه اصلی این مقیاس از خود تهیه کنندگان دریافت شده است. این پرسشنامه ۲۵ گویه دارد که در یک مقیاس لیکرت بین صفر (کاملاً نادرست) و چهار (همیشه درست)، نمره گذاری می‌شود. حداقل نمره تاب‌آوری آزمودنی در این مقیاس صفر و حداکثر نمره وی ۱۰۰ است. برای تعیین روایی ابتدا همبستگی هر گویه با نمره کل مقوله محاسبه و سپس از روش تحلیل عامل استفاده شد. محاسبه همبستگی هر نمره با نمره کل نشان داد که بجز مورد (گویه ۳) ضرایب بین ۰/۷۹ تا ۰/۸۰ بودند در مرحله بعد گویه‌های مقیاس با استفاده از روش مولفه‌های اصلی مورد تحلیل عاملی قرار گرفتند. پس از استخراج این عوامل بر اساس ماتریس همبستگی گویه‌ها دو شاخص KMO آزمون "کرولیت بارتلت" محاسبه شدند، مقدار KMO برابر ۰/۸۷ و مقدار خی دو در آزمون بارتلت برابر

بویژه مستعد طلاق بودن تدوین شده است. این ابزار بر این نظر متکی است که برای ارزیابی بی‌ثباتی و خطر بالقوه طلاق زن و شوهر، باید هم شناخت و هم رفتار به حساب آورده شود. این مقیاس در دو قسمت آمده که قسمت اول در کنار سنجش چند عامل دیگر خطرپذیری ازدواج که در قسمت دوم آمده است، می‌تواند دقت پیش بینی مصاحبه کننده را در وقوع احتمال طلاق در سه سال آینده زندگی زناشویی افزایش دهد. در نمره گذاری این مقیاس، تعداد پاسخ‌های حاکی از مستعد طلاق بودن شمرده شده (پاسخ‌های نمیدانم بله به شمار می‌رود). چنانچه، نمره فرد بین ۲۰ باشد، میزان احتمال طلاق در سه سال آینده برابر با ۲۲٪، بین ۳-۴، ۲۶ درصد، بین ۵-۶، درصد ۳۱، بین ۷-۹، ۳۸٪ و چنانچه بیشتر از ده باشد، احتمال طلاق در سه سال آینده برابر با ۴۳٪ خواهد بود. ضریب اعتبار این مقیاس در پژوهش یاریپور (۱۳۷۹) به نقل از ثنایی ذاکر (۱۳۸۷)، ۰/۷۰ به دست آمده است. این شاخص از قدرت پیش‌بینی زیادی برخوردار است. همچنین روایی سازه آن در پژوهش‌های متعددی نشان داده شده است.

۲. پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان

(AAQ): این پرسشنامه توسط هازن و شیور (۱۹۹۳) تدوین شده و شامل دو بخش است که در قسمت اول سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا بر حسب ۲۱ سوال در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (هیچ؛ کم؛ متوسط؛ زیاد؛ خیلی زیاد) از هم متمایز می‌شوند. در قسمت دوم، آزمودنی با انتخاب یک گزینه از سه گزینه‌ای که سه نوع دلبستگی با سوالاتی مانند (غالباً نگرانم که نکند دیگران به همان اندازه که من برایشان ارزش قائل هستم برایم ارزش قائل نباشند) را توصیف می‌کنند، سبک دلبستگی خود را مشخص می‌کند. در بخش دوم مجدداً همان توصیف‌ها مطرح شده، ولی این بار آزمودنی تنها با علامت زدن یکی از آنها، تشابه خود را با یکی از توصیف‌ها بیان می‌کند. بخش دوم پرسشنامه بر اساس مقیاس مقوله‌ای است و از

است. برآورد ثبات درونی اندازه‌های مقابله‌ای عموماً در کران پائینی دامنه قابل قبول رایج قرار می‌گیرد لازاروس و فولکمن (۱۹۸۸) ثبات درونی ۰/۷۹ تا ۰/۶۶ را برای هر یک از روش‌های مقابله‌ای گزارش کرده‌اند.

روش اجرا

ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به شرح ذیل بودند: تمامی افراد به صورت کتبی اطلاعاتی در مورد پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در پژوهش مشارکت می‌نمودند. این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام شد، آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، نمودار میانگین و انحراف استاندارد و آمار استنباطی شامل مدل معادلات ساختاری بود.

یافته‌ها

تعداد زنان شرکت کننده در تحقیق برابر با ۱۵۰ (۵۰ درصد) و تعداد مردان شرکت کننده در تحقیق برابر با ۱۵۰ (۵۰ درصد) است. میانگین سنی کل شرکت کنندگان برابر با ۳۱/۵۵ با انحراف معیار ۵/۸۷ است؛ همچنین میانگین سن زنان شرکت کننده در تحقیق برابر با ۳۰/۰۸ (با انحراف معیار ۵/۵۵) و میانگین سن مردان شرکت کننده برابر با ۳۳/۰۳ با انحراف معیار ۵/۸۳ است. همچنین ۵۳ نفر از شرکت کنندگان دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم (۱۷/۷ درصد)، ۱۴۴ نفر دیپلم (۴۸ درصد)، ۷۳ نفر فوق دیپلم (۲۴/۳ درصد) و ۳۰ نفر لیسانس (۱۰ درصد) بودند.

۵۵۶/۲۸ بود که هر دو شاخص کفایت شواهد برای انسجام تحلیل عامل را نشان داد. پس از این مرحله برای تعیین تعداد عوامل از ملاک شیب خط نمودار Scree و ارزش ویژه بالاتر از یک استفاده شد. پایایی و روایی فرم فارسی مقیاس تاب‌آوری نیز در مطالعات مقدماتی نمونه‌های بهنجار و بیمار مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. در خصوص این تحقیق با توجه به جدول مربوطه در مورد متغیر تاب‌آوری که شامل ۲۵ سؤال بوده است، میزان شاخص آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۶ در حد قابل قبول و تأیید کننده پایایی پرسشنامه می‌باشد. اعتبار این سازه توسط بشارت (۱۳۸۶) تأیید شده است. همچنین مشعل پور (۱۳۸۹) از طریق همبسته نمودن آن با مقیاس سخت‌رویی روان‌شناسی با محاسبه ضریب همبستگی = $0.64/0.2$ معنی‌دار نشان داده که این سازه از اعتبار نسبتاً بالایی برخوردار است.

۴. پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای لازاروس - فولکمن (CWQ): پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای که توسط لازاروس و فولکمن (۱۹۸۵) تهیه شده است شامل ۶۶ ماده می‌باشد. این ماده‌ها هشت روش مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار امور اندازه‌گیری قرار می‌دهند که به صورت ذیل هستند. (۱) روش‌های مساله‌مدار: جستجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، حل مدیرانه مساله، ارزیابی مجدد مثبت. (۲) روش‌های هیجان‌مدار: مقابله‌ای رویارویی گر، دوری‌گزینی، خویش‌تن‌داری (خودمهارگری). اعتبار پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای از طریق آزمایش ثبات درونی اندازه‌های مقابله‌ای که به وسیله ضریب آلفای کرونباخ به دست می‌آید، ارزیابی شده

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	چولگی		کشیدگی		میانگین	انحراف معیار
	آماره	خطای انحراف معیار	آماره	خطای انحراف معیار		
تاب‌آوری	۰.۶۵۹	۰.۱۴۱	۰.۶۵۹	۰.۱۴۱	۳۶.۴۶۰۰	۱۶.۰۴۳۰۶
دلبستگی ایمن	۰.۰۲۱	۰.۱۴۱	۰.۰۲۱	۰.۱۴۱	۲۲.۵۹۶۷	۶.۶۷۹۰۲
دلبستگی نایمن اجتنابی	۰.۱۷۶	۰.۱۴۱	۰.۱۷۶	۰.۱۴۱	۱۶.۷۳۰۰	۵.۴۳۲۸۲
دلبستگی دوسوگرا	۰.۲۵۰	۰.۱۴۱	۰.۲۵۰	۰.۱۴۱	۱۸.۳۶۰۰	۶.۰۲۵۹۰

۱۲.۵۹۱۴۴	۳۱.۱۹۳۳	.۱۴۱	.۳۹۳	.۱۴۱	.۳۹۳	راهبرد مقابله‌ای مساله مدار
۹.۹۵۰۶۷	۲۷.۷۴۰۰	.۱۴۱	.۳۷۵	.۱۴۱	.۳۷۵	راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار
۶.۵۸۴۶۱	۱۸.۲۹۰۰	.۱۴۱	.۴۲۶	.۱۴۱	.۴۲۶	بی‌ثباتی زناشویی

در جدول (۱) میانگین، انحراف معیار، و سایر نمرات توصیفی شرکت کنندگان در هر یک از متغیرهای تحقیق نشان داده شده است. با توجه به نتایج گزارش شده در این جدول مشخص است که توزیع پراکندگی تمام متغیرهای پژوهش به صورت نرمال است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پیش بین و میانجی با ابعاد و نمره کل بی‌ثباتی زناشویی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۰.۴۳۸**	۱								
-۰.۳۱۸**	-۰.۳۶۶**	۱							
-۰.۲۷۶**	-۰.۲۵۹**	۰.۵۸۶**	۱						
۰.۳۵۶**	۰.۲۷۱**	-۰.۲۲۳**	-۰.۱۲۶*	۱					
-۰.۲۸۸**	-۰.۲۳۵**	۰.۲۹۳**	۰.۲۵۶**	-۰.۱۹۵**	۱				
۰.۵۹۶**	۰.۴۸۹**	-۰.۲۰۲**	-۰.۲۳۲**	۰.۵۱۲**	-۰.۳۷۵**	۱			
-۰.۴۰۵**	-۰.۳۸۲**	۰.۳۰۰**	۰.۲۳۰**	-۰.۳۳۵**	۰.۲۵۵**	-۰.۴۴۸**	۰.۴۱۸**	۰.۳۷۰**	۱

** p < .۰۱، * p < .۰۵

در جدول (۲) ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش گزارش شده است. با توجه به نتایج گزارش شده در این جدول مشخص است که رابطه بین تمام متغیرهای میانجی و پیش بین با نمره کل بی‌ثباتی زناشویی از لحاظ آماری معنی‌داری است. یعنی رابطه مستقیم بین عدالت زناشویی، تعارض کار خانواده، تعارض خانواده کار، راهبرد مقابله‌ای مساله مدار، راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار با بی‌ثباتی زناشویی معنی‌دار است.

جدول ۳. ضرایب استاندارد مستقیم رگرسیون مدل مفروض شده پژوهش

سطح معنی‌داری	آزمون تی	خطای انحراف معیار	ضریب استاندارد
-۰.۲۷۲	۰.۰۶۹	۳.۹۱۸	۰.۰۰۰
-۰.۱۰۹	۰.۰۶۱	۱.۷۹۳	۰.۰۷۴
۰.۰۴۵	۰.۰۸۰	۰.۵۶۳	۰.۵۷۴
۰.۰۱۵	۰.۰۶۰	۰.۲۵۵	۰.۷۹۹
۰.۲۴۸	۰.۰۴۸	۵.۱۹۱	۰.۰۰۰
۰.۱۷۵	۰.۰۵۰	۳.۵۱۹	۰.۰۰۰
-۰.۰۸۶	۰.۰۴۸	۱.۷۷۲	۰.۰۷۷
۰.۳۱۱	۰.۰۴۹	۶.۳۶۸	۰.۰۰۰
-۰.۱۸۳	۰.۰۴۴	۴.۱۶۸	۰.۰۰۰
-۰.۰۳۶	۰.۰۵۷	۰.۶۲۹	۰.۵۲۹
-۰.۰۲۳	۰.۰۵۷	۰.۴۰۵	۰.۶۸۳

($P < 0.01$) به طور معنی‌داری به پیش‌بینی تاب‌آوری پرداختند و با این حال سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا پیش‌بینی معنی‌داری برای تاب‌آوری نبود. یافته‌های پژوهش گویای این بود که هر دو سبک مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار به پیش‌بینی معنی‌دار تاب‌آوری بپردازند. بطوریکه ضریب رگرسیون سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار بر تاب‌آوری به صورت معکوس و معنی‌دار ($B = -0.183, P < 0.01$) و ضریب رگرسیون سبک مقابله‌ای مساله‌مدار بر تاب‌آوری برابر با ($B = 0.311, P < 0.01$) است.

مطابق با یافته‌های گزارش شده در جدول ۳ مشخص است که اندازه ضریب رگرسیون تاب‌آوری بر بی‌ثباتی زناشویی برابر با -0.272 است که در سطح $P < 0.01$ معنی‌دار است. این یافته نشان می‌دهد که تاب‌آوری به طور معکوس بر بی‌ثباتی زناشویی تاثیر می‌گذارد. یافته‌های مدل ساختاری گویای این است که هیچ یک از سبک‌های دلبستگی نتوانستند به طور معنی‌داری به پیش‌بینی مستقیم بی‌ثباتی زناشویی بپردازند. از طرف دیگر دو سبک دلبستگی ایمن ($B = 0.248, P < 0.01$) و سبک دلبستگی نایمن اجتنابی ($B = 0.175, P < 0.01$)

جدول ۴. آزمون بوت استرپ برای بررسی نقش میانجی تاب‌آوری در ارتباط بین سبک‌های مقابله‌ای و سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی تاب‌آوری

مقادیر P	آماره T	انحراف معیار	ضریب رگرسیون	
۰.۰۰۱	۳.۲۸۳	۰.۰۲۶	-۰.۰۸۵	سبک مقابله‌ای مساله‌مدار -> تاب‌آوری -> بی‌ثباتی زناشویی
۰.۰۰۳	۲.۹۵۳	۰.۰۱۷	۰.۰۵۰	سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار -> تاب‌آوری -> بی‌ثباتی زناشویی
۰.۰۰۴	۲.۹۲۲	۰.۰۲۳	-۰.۰۶۷	دلبستگی ایمن -> تاب‌آوری -> بی‌ثباتی زناشویی
۰.۰۱۹	۲.۳۵۹	۰.۰۲۰	-۰.۰۴۸	سبک نایمن اجتنابی -> تاب‌آوری -> بی‌ثباتی زناشویی
۰.۱۲۸	۱.۵۲۳	۰.۰۱۵	۰.۰۲۳	سبک نایمن دوسوگرا -> تاب‌آوری -> بی‌ثباتی زناشویی

ارتباط بین سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار و مساله‌مدار و بی‌ثباتی زناشویی داشت، در تبیین نقش سبک‌های مقابله با استرس در بی‌ثباتی زندگی زناشویی می‌توان گفت، مهارت‌های مقابله‌ای یکی از متغیرهای مهم برای رویارویی با شرایط استرس‌زای زندگی و کوششی برای افزایش سازگاری فرد با محیط یا تلاش برای پیشگیری از بروز پیامدهای منفی شرایط فشارزای زندگی است، به همین دلیل میتوان گفت که این امر در بین زوجین نمود عینی بیشتری پیدا می‌کند، چراکه در این حیطه بجای فرد، تعامل و تقابل دو نفر است که هردو می‌توانند برای افزایش سطح سازگاری تلاش کنند و در صورت تحقق این مسئله است که می‌توان در زندگی آنان از رضایتمندی زناشویی و به دنبال آن افزایش ثبات و کاهش بی‌ثباتی سخن گفت، زمانی که زوجها در مواجهه با رویدادهای استرس‌زای زندگی از راهبردهای هیجانی مانند گریز، مقابله مستقیم، فاصله گرفتن، خودکنترلی

مطابق با یافته‌های گزارش شده در جدول (۴) مشخص است که تاب‌آوری نقش میانجی معنی‌داری در ارتباط بین سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار و بی‌ثباتی زناشویی دارد ($B = -0.085, P < 0.01$)؛ همچنین تاب‌آوری نقش میانجی معنی‌داری در ارتباط بین سبک مقابله‌ای مساله‌مدار و بی‌ثباتی زناشویی داشت ($B = -0.050, P < 0.01$)؛ تاب‌آوری نقش میانجی معنی‌داری در ارتباط بین سبک دلبستگی ایمن ($B = 0.248, P < 0.01$)؛ سبک دلبستگی نایمن اجتنابی ($B = -0.175, P < 0.01$) با بی‌ثباتی زناشویی داشت. این حال تاب‌آوری نقش میانجی معنی‌داری در ارتباط بین سبک دلبستگی دوسوگرا با بی‌ثباتی زناشویی نداشت.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد که سبک‌های مقابله‌ای به طور مستقیم پیش‌بینی کننده بی‌ثباتی زندگی زناشویی در زوجین متعارض می‌باشد و تاب‌آوری نقش میانجی معنی‌داری در

و همکاران (۱۹۸۲) دل‌بستگی ایمن، مهارت‌های مقابله با استرس، احساس ارزش و شایستگی شخصی را تقویت می‌کند همچنین اضطراب را کاهش و ظرفیت سازش با استرس را افزایش می‌دهد، تاب‌آوری به عنوان یکی از عوامل حفاظتی که موجبات سازگاری بیش افراد مؤثر باشد. دل‌بستگی ایمن، تاب‌آوری لازم را در فرد برای مقابله با بسیاری از رویدادهای ناگوار فراهم می‌آورد، تا در آینده به عنوان یک بزرگسال بدون ایجاد آسیب‌های روان شناختی با آن مقابله کند. آت وول (۲۰۰۶) نشان داد که دل‌بستگی ایمن یک عامل مهم در شرایط کمینه کردن بحرانی و بیشینه کردن مقدار تاب‌آوری در افراد نیازمند به کمک است زیرا افراد ایمن رویدادهای استرس زا را کمتر تهدید کننده ارزیابی می‌کنند و با احتمال بیشتری به جستجوی کمک از سوی دیگران به حل مسایل خویش می‌پردازند. افرادی که دارای دل‌بستگی ایمن هستند احتمال دارد از، دوباره ارزیابی استفاده کنند و تاب‌آوری بیشتری داشته باشند. کارمن و وینگرهاست (۲۰۱۲) نشان دادند که افراد ایمن حتی از طبقه اجتماعی پایین‌آوری تاب بالاتری را گزارش کردند و افراد نایمن حتی از طبقه اجتماعی بالا تاب‌آوری پایین تری را گزارش کردند در سطوح پایین در مقابل، افرادی که سبک دل‌بستگی اضطرابی دارند، رفتارهای سردرگم و متضاد نشان می‌دهند و این ویژگی با تاب‌آوری در تضاد است زیرا در افراد تاب‌آور انتظار سازگاری و مدیریت رفتار در همه شرایط از جمله در بحران‌ها وجود دارد. بنابراین، نتیجه بدست آمده کاملاً قابل توجه است که افراد با سبک دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی قادر به مدیریت رفتار خود نبوده و در نتیجه استرس بیشتری را تجربه می‌کنند. این افراد در زندگی زناشویی توانایی سازگار شدن با مسائل و مشکلات و مواجهه با تنش‌های زندگی را ندارند لذا وجود مشکلات در زندگی زناشویی و عدم توانایی زوج در حل آن‌ها منجر به ایجاد تعارضات و در نهایت بی‌ثباتی زندگی زناشویی خواهد شد. هر پژوهش دارای محدودیت-

بیشتر استفاده می‌کنند این زوجها با گریه کردن، عصبانی شدن و فریاد زدن با فشار روانی مقابله می‌کنند این سبک گاهی به شکل مقابله اجتنابی آشکار می‌شود که باعث می‌شود زوجها برای سازگاری با عوامل فشارزا، از طریق فاصله گرفتن از آن، یا از طریق تمرکز بر احساسات خود عمل کنند که نتیجه‌ای جز افزایش تعارضات و کاهش رضایت زناشویی ندارد. متغیرهای تاب‌آوری و مقابله مذهبی ۴۳ درصد از واریانس متغیر رضایت از زندگی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین نتایج همسو با پژوهش‌های حسینی دولت آبادی و سعادت (۱۳۹۴)، بشارت، تاشک و رضازاده (۱۳۸۵) بود. همچنین تاب‌آوری به عنوان یک متغیر میانجی در رابطه با سبک‌های مقابله‌ای بی‌ثباتی زندگی زناشویی عمل می‌کند، تاب‌آوری نوعی مصون سازی در برابر شرایط تهدیدزا تلقی می‌گردد و می‌تواند توانش اجتماعی فرد را در هنگام مشکلات بهبود بخشد و از آنجا که تعارض زناشویی نیز نوعی شرایط تهدیدزا تلقی می‌شود، زوجینی که دارای تاب‌آوری بالا هستند بهتر می‌توانند بر مشکلات شان غلبه کنند از سبک‌های مقابله‌ای مساله‌مدار در مواجهه با رویدادهای استرس زای زندگی استفاده کنند در نتیجه اجازه نمی‌دهند تعارض و اختلاف آن‌ها به سطوح بالا برسد و ثبات زندگی زناشویی آن‌ها را تهدید کند. نعمتی، ایمان زاده، فروهی مهدوی، حسین (۱۳۹۸) نشان دادند متغیرهای تاب‌آوری و مقابله مذهبی ۴۳ درصد از واریانس متغیر رضایت از زندگی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین نتایج همسو با پژوهش‌های حسینی دولت آبادی و سعادت (۱۳۹۴)، مطهری، بهزاد پور و سهرابی (۱۳۹۲)، بشارت، تاشک و رضازاده (۱۳۸۵) و نوابی‌نژاد، رستمی و پارساکیا (۲۰۲۳) بود. همچنین نتایج نشان دادن تاب‌آوری نقش میانجی معنی‌داری در ارتباط بین سبک دل‌بستگی ایمن سبک دل‌بستگی نایمن اجتنابی با بی‌ثباتی زناشویی داشت. با این حال تاب‌آوری نقش میانجی معنی‌داری در ارتباط بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا با بی‌ثباتی زناشویی نداشت، بر اساس نظر بالبی

تمامی سؤال‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند.

تشکر و قدردانی

این مطالعه برگرفته از رساله مقطع دکتری رشته مشاوره در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران انجام شد. در پایان، از تمامی افراد شرکت‌کننده در پژوهش و مسئولان دادگاه‌ها، کلینیک‌های مشاوره و روانشناسی شهر تهران که نویسندگان را در اجرای این پژوهش یاری و همراهی نمودند، تشکر و قدردانی می‌شود.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان این پژوهش در نگارش مقاله نقش یکسانی داشتند.

تعارض منافع

نویسندگان اظهار می‌دارند هیچ گونه تعارض منافی در مورد این مقاله وجود ندارد.

References

- آقاپور، مهدی؛ ابوالمعالی الحسینی، خدیجه و اصغر نژاد فرید، علی اصغر. (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی آموزش راهبردهای مقابله با استرس و راهبردهای کمک‌خواهی بر سازگاری تحصیلی. نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۲(۴۲)، ۵۸-۳۹.
- احمدی زینب؛ محرابی حسینعلی. (۱۳۹۹). رابطه حمایت اجتماعی و تاب‌آوری با رشد پس از سانحه: نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله با استرس. فصلنامه ایده‌های نوین روانشناسی، ۵(۹): ۱۳-۱۰.
- احمدی، خدابخش، سوری، فاطمه، فتحی آشتیانی، علی، میر زمانی، محمود، عرب نیا، علی رضا. (۱۳۸۵). بررسی نیازهای کارکنان خانواده‌های نظامی نسبت به خدمات مشاوره‌ای، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی، ارتش، ۴(۱)، ۷۶۹-۷۶۱.
- بشارت، محمد علی، تاشک، آناهیتا، رضازاده، محمدرضا (۱۳۸۵). تبیین رضایت زناشویی و سلامت روانی بر حسب سبک‌های مقابله، روانشناسی معاصر ۱(۱)، ۵۶-۴۸.
- حسینی دولت آبادی فاطمه، سعادت، سجاد (۱۳۹۴). رابطه سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله‌ای با انسجام خانواده: در نمونه‌ای از زنان معلم، مجله روانشناسی اجتماعی، ۳(۳۵)، صفحه ۱۵-۳۲.

ها و مشکلاتی است و پژوهش حاضر نیز از این قاعده مستثنی نبوده است از جمله محدودیت‌هایی که پژوهشگر با آن‌ها مواجه شد عبارت بودند از: آنجایی که پژوهش حاضر از نوع همبستگی بوده است، در نشان دادن روابط علی میان متغیرها ناتوان می‌باشد. شرکت‌کننده‌گان پژوهش حاضر را کارکنان ناجا در شهر تهران تشکیل دادند و ممکن است نتایج تحت تاثیر شرایط بومی، منطقه‌ای، اقلیمی و فرهنگی قابل تعمیم نباشد. لذا نه تنها اعتبار بیرونی تحقیق کاهش می‌یابد. از آنجا که شرکت‌کننده‌گان پژوهش حاضر را کارکنان ناجا بودند، در تعمیم نتایج به دیگر مشاغل باید جانب احتیاط را رعایت نمود، بنابراین پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران آتی در صورت امکان به انجام پژوهش‌های علی برای یافتن رابطه علت و معلولی بین متغیرهای پژوهش حاضر بپردازند. پیشنهاد می‌گردد پژوهش حاضر برای زوجین دیگر مشاغل و همچنین کارکنان ناجا در دیگر مناطق جغرافیایی یا فرهنگی انجام شود نتایج با پژوهش حاضر مقایسه گردد. در نهایت با توجه به رابطه منفی تاب‌آوری و بی‌ثباتی زندگی زناشویی پیشنهاد می‌گردد مشاوران و روانشناسان مراکز مشاوره ناجا جهت آموزش تاب‌آوری به کارکنان ناجا و خانواده‌های آن‌ها اقدام نمایند همچنین با توجه به وجود رابطه بین سبک‌های مقابله با استرس و بی‌ثباتی زندگی زناشویی و با توجه به نوع شغلی کارکنان نیرو انتظامی که پر استرس می‌باشد پیشنهاد می‌گردد مراکز مشاوره ناجا آموزش سبک‌های کارآمد مقابله با استرس را در مداخلات و آموزش‌های خود مد نظر قرار دهند در نهایت پیشنهاد می‌شود که ناجا از ظرفیت‌های روانشناسان و مشاوران در آزمون‌های استخدامی جهت بهبود مهارت‌های کارکنان آموزش‌های لازم جهت تحکیم بنیاد خانواده کارکنان نیروی انتظامی استفاده کند.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل

- Hosseini Dolatabadi F., & Saadat, S. (2015). The relationship between marital adjustment and coping strategies with family cohesion: in a sample of female teachers, *Journal of Social Psychology*, 3(35), page 15-32
- Kang, T. and Jaswal, S.(2019). Marital Stability as a Correlate of Parenting. *Studies on Home and Community Science*, 3(1), 39-42.
- Mercado, J., Cameron, E., Shekarforoosh, C., Stratton, L. (2008). Forgiveness in *Relation to Marital Satisfaction*. *Weber State University*
- Motahari, Z. S., Behzadpour, S., & Sohrabi, F. (2013). Explaining the level of marital conflict based on excitement seeking and resilience in couples, *women and family studies*, 5th year - 20th issue, 105-122
- Musau, J. M., Kisovi, L. M. & Otor, S. C. J. (2015). Marital instability and its impact on female-headed household livelihoods in Machakos County, Kenya. *International Journal of Humanities and Social Science*, 5(8): 145-153
- Navabinejad, S., Rostami, M., & Parsakia, K. (2023). The Mediating Role of Emotional Intelligence In The Relationship Between Marital Conflicts And Tendency To Marital Infidelity In Couples. *Journal of Assessment and Research in Applied Counseling*, 5(1), 1-8.
- Niknam, M., & Teymouri, M. (2021). Comparison of life satisfaction, stress tolerance and stress coping styles in remarried elderly men and unmarried elderly men, *Sabzevar University of Medical Sciences*, 28(1), 41-58.
- Soulas T, Sultan S, Gurruchaga JM, Palfi S, Fénelon, G. (2012). Changes in quality of life (QoL), burden and mood among spouses of Parkinson's disease patients receiving neurostimulation. *J Parkinsonism & Related Disorders*, 18(5),602 -5.
- Waring, E. M. (2013). *Enhancing Marital Intimacy through Facilitating Cognitive Self Disclosure*. Routledge.
- Yárnoz-Yaben, S. (2010). Attachment style and adjustment to divorce. *The Spanish Journal of Psychology*, 13, 210-219.
- Young J, Klosko J, Weishaar M.(2013). *Schema therapy: A practitioner's guide*. New York: Guilford; 2013: 1- 62.
- Yousefi, N., Ghorbani, A., & Azizi, A. (2018). Explanation of the theoretical model for self-differentiation, coping strategies and marital commitment of couples, *Roish Psychology*, 7(11), 408-389.
- مطهری، زهرا سادات، بهزادپور سمانه، سهرابی، فرمرز.(۱۳۹۲). تبیین سطح تعارض زناشویی بر اساس هیجان خواهی و تاب‌آوری در زوجین، زن و مطالعات خانواده، سال پنجم- شماره بیستم، ۱۰۵-۱۲۲
- نیکنام، ماندانا؛ تیموری، مریم.(۱۴۰۰). مقایسه احساس رضایتمندی از زندگی، تحمل پریشانی و سبک‌های مقابله با استرس در مردان سالمند با ازدواج مجدد و مردان سالمند مجرد، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۲۸(۱)، ۵۸-۴۱
- یوسفی، ناصر، قربانی، آزاد، عزیزی، آرمان.(۱۳۹۷). تبیین مدل نظری برای خودمتمایزسازی، راهبردهای مقابله‌ای و تعهدزناشویی زوجین، رویش روان‌شناسی، ۷(۱۱)، ۴۰۸-۳۸۹
- Aghapour, M., Abu Maali Al-Hosseini, Kh., & Asgharnejad Fardid, A. A. (2018). Comparison of the effectiveness of stress coping strategies and help-seeking strategies training on academic adjustment. *Journal of Research in Educational Systems*, 12(42),58-39.
- Ahmadi, Kh., Soury, F., Fathi Ashtiani, A., Mir Zamani, M., & Arabnia, A. (2006). Examining the needs of employees of military families regarding counseling services, *scientific research journal of the University of Medical Sciences, Army*, 4(1),769-761
- Ahmadi., Z., & Mehrabi H. A. (2020) The relationship between social support and resilience with post-traumatic growth: the mediating role of stress coping styles. *The quarterly journal of new ideas in psychology*, 5 (9): 1-13
- Asa, U. A. & Nkan, V. V. (2017). Factors associated with marital instability among Rural farming households in Akwa Ibom State, Nigeria. *European Scientific Journal*, 13(15): 290-299
- Basharat, M. A., Tashak, A., & Rezazadeh, M. R. (2006). Explaining marital satisfaction and mental health according to coping styles, *Contemporary Psychology* 1(1), 56-48.
- Cheng YY, Kuo CH, Hsieh WL, Lee SD, Lee WJ, Chen LK, et al. (2012). Anxiety, depression and quality of life(QoL) in patients with chronic dizziness. *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 54(1), 131 -135
- Hahlweg, K. & Richter, D. (2010). Prevention of marital instability and distress Results of an 11- year longitudinal follow-up study. *Behaviour Research and Therapy*, 48(5): 377-383